

مردم سالاری دینی در کلام علی علیه السلام

(به مناسبت سال امام علی علیه السلام)

دکتر لطف الله فروزنده دهکردی

چکیده

در این مقاله ابعاد توجه حاکم به حقوق مردم در کلام حضرت علی علیه السلام با توجه به عهدنامه مالک اشتر مورد توجه قرار گرفته است. نقش مردم در نظام اسلامی به عنوان عنصر مقبولیت و پشتوانه نظام مورد تأکید مولی قرار گرفته است و این امر نشان می‌دهد که بحث مردم سالاری در چارچوب احکام اسلامی همیشه مورد تأکید بزرگان بوده و اسلام در این راستا پیشتازترین مدعی حقوق بشر بوده و هست.

واژه‌های کلیدی: مردم، مقبولیت، مشروعیت، اصول مردم‌داری، ارتباطات حاکم بر مردم، حقوق مردم، نظام ولایی، حکومت اسلامی، مردم سالاری دینی.

مقدمه

اصل استوار است: یکی اصل اسلامیت نظام و دیگری مردمی بودن نظام. این اصول به طور روشن در اصل چهارم و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی به شرح زیر آمده است (۱):
اصل چهارم: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظام سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی

یکی از مباحث مهم امروز در نظام‌های اجتماعی و سیاسی توجه به مردم است. امروزه در دنیای غرب، مبنای تشکیل حکومت «توافق عمومی» یا «قرارداد اجتماعی» است. در این نظام‌ها هرگاه مردم بر حاکمیت هر فردی با هر خصوصیتی به توافق رسیدند، حکومت او قانونی است. حکومت در نظام جمهوری اسلامی بر دو

باشند ...».

اصل ششم: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به انکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات ...»

از این اصول به خوبی نقش مردم در برپایی نظام ولایی و اسلامی روشن خواهد شد. یعنی تا پذیرش و خواست مردم در اطاعت از ولی و پذیرش کلام حق نباشد، هیچگاه اوامر و نواهی او به اجرا در نمی‌آید و نظام ولایی یا حکومت اسلامی نیز برپا نخواهد شد. بنابراین در جامعه اسلامی هر فرد به عنوان مسلمان با پذیرش خود، حکومت و اقتدار معروف را در جامعه ایجاد می‌کند.

در درون یک سازمان نیز مدیر قدرت رسمی خود را بایستی با قدرت رهبری یا قدرت غیررسمی عجين کند. در ادبیات مدیریت، رهبری را نفوذ بر رفتار دیگران تعریف کرده‌اند که افراد و مردم نقش اصلی را در این نفوذپذیری خواهند داشت. برخی از نظریه پردازان مانند فیدلر (۱۹۷۱)، وروم (۱۹۶۰) گفته‌اند: مدیرانی که در جهت خشنودی اعضای سازمان و بهبود روابط انسانی کوشش می‌کنند، موفق‌ترند.

علی‌رغم اینکه مکتب کلاسیک به بهبود روش‌ها تأکید دارد، در برخی اصول توجه به افراد را مورد عنایت قرار داده‌اند. به عنوان مثال یکی از اصول مدیریت علمی تیلور (۲) «ایجاد فضای همکاری است».

فایول (۳) در اصول چهارده گانه خود «پرداخت به عنوان جبران خدمات»، «عدالت و انصاف»، «ایجاد روحیه جمعی» را در راستای خشنودی

افراد طرح می‌کند. در مکتب روابط انسانی «التون مایو» (۴)، بر روی روابط انسانی و رضایت افراد تأکید دارد. چستر بارنارد در مدل سیستم تلفیقی خود تأکید دارد: «نقش‌های اصلی مدیر باید ارتباطات را تسهیل کند و زیردستان را تشویق به ابراز تلاش زیاد نماید.» مک‌گریگور (۵) بعد از طرح X و Y بیان می‌دارد که پیش‌فرض‌های Y بهتر بوده و مدیران بایستی در شیوه طراحی سازمان و برانگیختن کارکنان خود از این پیش‌فرض‌ها رهنمودهایی دریافت دارند. وارن بیس تأکید بر ساختارهای غیرمتمرکز بوروکراتیک براساس گروه‌های کاری منعطف دارد.

در تمام کتب، رفتار سازمانی دانشمندانی مانند کیت دیویس و جان نیواستوم (۶) رابینز و بلانچارد (۷)، بحث کار کردن با مردم و افراد به‌طور جدی به عنوان یک عنصر اساسی برای رسیدن به اهداف سازمانی مورد توجه قرار گرفته است. ولی نظری که مدیریت غرب به انسان و روابط انسانی دارد، به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سازمان است. به عبارت دیگر توجه به روابط انسانی به لحاظ توجه به «انسانیت» و «حقوق انسانی» نیست، بلکه اگر به‌جای توجه به ساختار و تکنولوژی، بیشتر به روابط انسانی توجه کنیم، هدف سازمان بهتر محقق خواهد شد. مکاتب روابط انسانی و رفتار سازمانی بر این مبنا استوار است.

اما در نظام و مدیریت اسلامی، مردم نسبت به سیستم مدیریت از باب اینکه مخلوق الهی هستند و دارای جایگاه خاصی هستند، حقوقی دارند که بایستی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. بنابراین

حضرت علی علیه السلام تحت عنوان «حقوق الهی مردم بر مدیر» دستورالعملی را صادر می‌کنند که مدیر با تفکر اسلامی ملزم به رعایت آن است. اگر مدیر مسلمانی به این نکات توجه کند، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید وگرنه بایستی منتظر عذاب الهی باشد. با توجه به سال امام علی علیه السلام، اصل مردم سالاری در مدیریت اسلامی از دیدگاه علی علیه السلام با عنایت به نامه‌های آن حضرت به کارگزاران خود در حد این مقاله به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- توجه به افکار عمومی

وَأِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ.

همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگان جاری می‌سازد. پس باید نیکوترین اندوخته نزد تو، کردار نیک و عمل صالح باشد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۷، ضرورت خودسازی

۲- محبت و لطف به مردم

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا [ضارباً] تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَأَيُّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ.

دلت را از رحمت و محبت و لطف به مردم لبریز کن و هرگز با آنان چون جانوری درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان از دو دسته بیرون نیستند: یا در دین با تو برادرند یا در آفرینش با تو برابر.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۷، اخلاق رهبری

۳- بخشش در مقابل خطاها و سستی‌های آنها
يَقْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ، وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْغَلَلُ، وَيُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْأَعْمَدِ وَالْخَطَاءِ، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ.

اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنها را ببخشای و بر آنان آسان گیر.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۷، اخلاق رهبری

۴- توجه و محبت به مردم، یک آزمون الهی است که خداوند به مدیر واگذار کرده است
وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَا يُكَلِّمُ الْوَهَّالِينَ، وَتَقْدِيرُ الْأَشْيَاءِ كَمَا أَمَرَهُمْ، وَابْتِلَاءُكَ بِهِمْ.

و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داده والا تر است، اینک هم او اداره امور مردم را به تو وانهاده و تو را به وسیله آنان به آزمون گذارده است.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۷، اخلاق رهبری

۵- با مردم تحکمی و آمرانه برخورد نکن
وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ قَاطِعٌ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ.

هیچگاه مگو «به من فرمان دادند، من نیز فرمان می‌دهم، پس مردم باید اطاعت کنند». زیرا این کار، تباهی دل و سستی دین است و دگرگونی و سقوط حکومت را نزدیک می‌سازد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۷، اخلاق رهبری

۶- رعایت انصاف در برخورد با مردم و پرهیز در قوم و خویش بازی

أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةٍ

أَهْلِكَ، وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ أَلَا تَفْعَلُ تَظْلِمُ!

انصاف را در رابطه با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت که آنان را دوست داری، رعایت کن که اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۹، پرهیز از غرور و خودپسندی

۷- ستم به بندگان عامل عذاب الهی است

وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصَمَهُ دُونَ عِبَادِهِ.

آن کس که بر بندگان خدا ستم کند، خداوند از سوی بندگان دشمن او خواهد بود.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۹، پرهیز از غرور و خودپسندی

۸- ستم بر بندگان مساوی جنگ با خداست، مگر توبه کند.

وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ، وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ.

هر که خدا با وی در افتد، منطقتش را می‌کوبد، تا هنگامی که توبه نکند با خدا در جنگ خواهد بود.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۹، پرهیز از غرور و خودپسندی

۹- توجه به رضایت عموم مردم به جای عده‌ای خاص

وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْجِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ.

باید محبوب‌ترین کارها نزد تو، سازگارترین آنها با حق و

فراگیرترین آنها در عدالت و گسترده‌ترین آنها در جلب رضایت مردم باشد. همانا نارضایی عموم مردم رضایت خدا را از بین می‌برد، در حالی که از نارضایی خواص در برابر رضایت عموم مردم می‌توان چشم پوشید.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۹، مردم‌گرایی و حق‌گرایی

۱۰- مردم تکیه گاه اصلی دین هستند

وَ إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ، وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، أَلْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَ مِيلُكَ مَعَهُمْ.

همانا توده امت و مردمنده که تکیه گاه بلند دین و جمعیت انبوه مسلمین و نیروی ذخیره دفاعی در برابر دشمنان هستند. پس باید پشتیبانیت از آنان و گرایش به ایشان باشد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۶۹، مردم‌گرایی و حق‌گرایی

۱۱- پرده پوشی عیب مردم

فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ

پس تا می‌توانی عیوب مردم را بپوشان.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۱، ضرورت رازداری

۱۲- عدم کینه نسبت به مردم

أَطْلُقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ
گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۱، ضرورت رازداری

۱۳- انتخاب وزیران از بین مردم صالح و مشورت با آنها

إِنْ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِأَشْرَارٍ قَبْلَكَ وَزِيْرًا، وَمَنْ شَرِكُهُمْ فِي الْأَثَامِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بِطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثَمَةِ، وَإِخْوَانُ الظُّلْمَةِ.

بدترین وزیران کسانی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته‌اند، پس مبادا چنین افرادی محرم راز تو باشند، زیرا که آنان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکارانند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۱، جایگاه صحیح مشورت

۱۴- با مردم زاهد و صادق ارتباط داشته باش

وَالصُّقَى بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ.

تا می‌توانی با زاهدان و صادقان بییونی.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۱، اصول روابط اجتماعی رهبران

۱۵- جلب خوش گمانی نسبت به مردم با نیکی کردن

أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يَدْعُو إِلَى حُسْنِ ظَنٍّ رَاحٍ بِرِعْيَتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ، وَتَخْفِيفِهِ أَلْمُونََاتِ عَلَيْهِمْ، وَ تَرْكِ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قَبْلَهُمْ.

هیچ وسیله‌ای در برانگیختن خوش گمانی حاکم نسبت به رعیت مؤثرتر از آن نیست که به ایشان نیکی کند. پس بایدکاری کنی تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۱، اصول روابط اجتماعی رهبران

۱۶- پس از آزمون مردم در باره آنها قضاوت کن

وَإِنْ أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ.

همانا شایسته‌ترین فرد که تو باید نسبت به او خوش‌گمان باشی کسی است که از آزمون تو سرافراز بیرون آمده باشد. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۳، اصول روابط اجتماعی رهبران

۱۷- احترام به سنت‌های پسندیده مردم

وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَأَجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ.

سنت شایسته‌ای را که سران این امت بدان عمل کرده‌اند و براساس آن اتفاق نظر به وجود آمده و کار مردم بدان سامان یافته است، برهم مزن.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۳، اصول روابط اجتماعی رهبران

۱۸- همنشینی با دانشمندان و فرزندان مردم

وَ أَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ، فِي تَنْبِيهِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ، وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ.

با دانشمندان و فرزندان همنشینی و همدمی کن تا موجبات سامان‌یابی کشور و وسیله حفظ و نگهداری شیوه‌های پسندیده‌ای که مردم قبل از تو با آنها مانوس بوده‌اند، فراهم آید. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۳، اصول روابط اجتماعی رهبران

۱۹- توجه به اقشار مختلف مردم در حد قدر و اندازه

آنها

وَكُلُّ قَدْ سَمَىٰ اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَىٰ حَدِّهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْسَنَ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ اللَّهُ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.

خداوند برای هر یک از آنها سهمی را نام برده و حد و اندازه واجب آن را در کتاب خویش یا سنت پیامبرش معین فرموده است، که این عهد خداست و در نزد ما محفوظ.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۳، شناخت اقشار

گوناگون اجتماعی

۲۰- قرار داشتن مردم در گستره رحمت الهی و

حقوقشان بر گردن مدیر

وَفِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ، وَ لِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ.

همه در گستره رحمت خدا جا دارند و حقوقی بر گردن

مدیر دارند که مدیر بایستی در چارچوب قوانین الهی، آن حقوق را ادا کند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۳ و ۵۷۵، شناخت

اقشار گوناگون اجتماعی

۲۱- تلاش و استمداد از خدا برای ادای حق مردم

وَلَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةٍ مَا أَلْزَمَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْأَهْتِمَامِ وَالْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ وَتَوْطِينِ نَفْسِهِ عَلَى لُزُومِ الْحَقِّ وَالصَّبْرِ عَلَيْهِ فِيهَا خَفَّ عَلَيْهِ أَوْ ثَقُلَ.

زامداران از عهده این امر به درستی بر نمی آیند، مگر با تلاش و استمداد از خداوند و آماده بر انجام حق و شکیبایی در برابر همه کارها، آسان باشد یا دشوار.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، شناخت اقشار

گوناگون اجتماعی

۲۲- دلجویی و لطف خیرخواهی نسبت به اقشار

مختلف مردم

وَلَا تَحْقِرَنَّ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ وَإِنْ قُلَّ؛ فَإِنَّهُ دَاعِيَةٌ لَهُمْ إِلَيَّ بِذُلِّ النِّصِيحَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ.

نیکوکاریات نسبت به آنان را - هر چند اندک باشد - خوار مپندار، زیرا نیکی، آنان را به خیرخواهی تو خواند و گمانشان را نسبت به تو نیکو گرداند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۳- توجه به عدالت و محبت بر مردم

إِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْإِلَادِ، وَ ظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ.

بی شک برترین روشنی چشم زمامداران، برپا داشتن عدالت در کشور و آشکار شدن محبت مردم است.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۴- ارتباط پیوسته و مستقیم با مردم

إِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ، وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطُوتِهِمْ عَلَى وُلاَةِ الْأُمُورِ.

همانا محبت مردم آشکار نمی شود مگر هنگامی که سینه هایشان از نارضایتی و نفرت خالی باشد و خیرخواهی آنها محقق نمی شود مگر وقتی که مردم در اطراف زمامداران خود باشند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۵- عدم تحمیل بار مدیریت بر دوش مردم

وَقَلَّةٌ اسْتِثْقَالِ دُولِهِمْ، وَ تَرْكِ اسْتِثْقَاءِ أَنْقِطَاعِ

مَدَّيْهِمْ، فَافْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ

و حکومتشان بر دوش مردم سنگینی نکند و پایان یافتن روزگار آنها را انتظار نبرند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۶- برآورده کردن آرزوهای مردم و بیان کارها و

تلاش خوب و مفید مردم

وَ وَاَصِلْ فِي حُسْنِ النَّاءِ عَلَيْهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا اُبْلَى دُؤُوْا اَلْبَلَاءِ مِنْهُمْ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ اَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ، وَ تُحَرِّضُ النَّاكِلَ، إِنْ شَاءَ اَللَّهُ.

بنابراین مالک! آرزوهای آنان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار، زیرا برشمردن کارهای نیکوی آنان - به خواست خدا - دلاوران را جرأت می‌بخشد و سست قدمان را بر می‌انگیزد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۷- قدرشناسی از مردم فداکار و عدم توجه به

موقعیت اجتماعی افراد برای تضييع حق دیگران

ثُمَّ اَعْرِفْ لِكُلِّ اَمْرٍ مِنْهُمْ مَا اُبْلَى، وَ لَا تَضْمَنْ بَلَاءَ اَمْرٍ اِلَى غَيْرِهِ، وَ لَا تُقْصِرَنَّ يَهْ دُونَ غَايَةِ بَلَايَةِ، وَ لَا يَدْعُوْنَكَ شَرَفُ اَمْرٍ اِلَى اَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَايَةِ مَا كَانَ صَغِيْرًا، وَ لَا ضَعْفُ اَمْرٍ اِلَى اَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَايَةِ مَا كَانَ عَظِيْمًا.

رنجنامه هر کس را بشناس و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا موقعیت اجتماعی اشخاص موجب آن نشود که تو کار کوچک آنها را بزرگ و کار بزرگ ایشان را کوچک بشماری.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۵، سیمای نظامیان

۲۸- توجه به رضایت و رفاه مردم در دریافت مالیات

وَ تَقَدَّرْ اَمْرَ الْخَرَجِ بِمَا يُصْلِحُ اَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ اِلَّا بِهِمْ، لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَجِ وَ اَهْلِهِ.

در مورد مالیات چنان عمل کن که موجب بهبود حال مالیات دهندگان گردد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت، زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراجگزارانند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۹، سیمای مالیات دهندگان

۲۹- توجه بیشتر به آبادانی و رفاه تا مالیات گرفتن

وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ اَلْبِلَادَ، وَ أَهْلَكَ اَلْعِبَادَ، وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيْلًا.

اما باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج، (کسی) که بدون آبادانی خراج مطالبه کند، کشور را خراب و مردم را هلاک می‌کند و حکومتش چند روز بیش نمی‌پاید.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۹، سیمای مالیات دهندگان

۳۰- تخفیف به مردم در زمینه مالیات

خَفَّفَتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرْجُو أَنْ يُصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ؛ وَ لَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ اَلْمُؤَنَةَ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ ذَخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَ تَرْزِينِ وِلَايَتِكَ،

مَعَ اسْتِجْلَالِكَ حُسْنِ ثَنَائِهِمْ.

در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد، زیرا این ذخیره‌ای است که به صورت آبادانی و زیباسازی کشور به تو باز خواهد گشت. به علاوه با این کار ستایش آنها را به خویش جلب کرده‌ای.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۹، سیمای مالیات دهندگان

۳۱- ایجاد زمینه پذیرش مردم با توجه به وضع روحی، اقتصادی مردم (جلب اعتماد مردم)

فَرُبَّمَا حَدَّثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ احْتِمَالِهِ طَيِّبَةً أَنْفُسُهُمْ بِهِ ؛ فَإِنَّ الْأَعْمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ.

چه بسا کارهایی پس از این (تخفیف) برای تو پیش آید و تو بر عهده آنها بگذاری. آنان از صمیم دل می‌پذیرند، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۷۹ و ۵۸۱، سیمای مالیات دهندگان

۳۲- عامل تخریب کشور فقر و تنگدستی مردم است و عامل تنگدستی مردم عملکرد بد مدیر است.

وَ إِنَّمَا يُؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَ قِلَّةِ اتِّفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ.

بی‌تردید خرابی هر سرزمینی از تنگدستی مردم آن است، تنگدستی مردم هم از رو کردن زمامداران به جمع مال و بدگمانی آنها به ماندن خویش و کم‌به‌رگی آنان در عبرت‌گیری از

تاریخ گذشتگان است.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۱، سیمای مالیات دهندگان

۳۳- اعتماد به افراد خوشنام و ذی نفوذ در بین مردم
فَاعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَأَنَّ فِي الْعَامَّةِ أَثَرًا، وَ اعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ وَ جَهًّا، فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَ لِمَنْ وَ لَيْتَ أَمْرُهُ.

به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته و به امانتداری از همه مشهورترند، که چنین انتخاب درستی نشان دهنده خیرخواهی تو برای خدا و مردمی است که حاکم آنان.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۱، سیمای نویسندگان و مسئولان

۳۴- توجه به طبقه و قشر پایین

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الْزُّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا.

خدای را، خدای را در مورد قشر پایین بینوایان نیازمندان، گرفتاران و ناتوانان که بیچاره‌اند در نظر بگیر. در میان این قشر بعضی خویشتن‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۳، سیمای محرومان و مستضعفان

۳۵- رسیدگی به امور مردم

فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تُعَدَّرُ

بَتَضْيِيعِكَ الْتَّافَةَ لَا حَكَامِكَ الْكَثِيرَ أَلْمُهُمْ.

مبادا غرور ریاست و ثروت تو را از رسیدگی به آنها (مردم) باز دارد که یقیناً نمی‌توانی به دلیل پرداختن به کارهای مهم از نادیده گرفتن حق کوچک معذور باشی.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۳، سیمای محرومان و مستضعفان

۳۶- گشاده‌رو با مردم برخورد کن

فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ.

همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برنگردان. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۳، سیمای محرومان و مستضعفان

۳۷- حساسیت در رسیدگی به امور مردم ناتوان و نیازمند

فَقَرِّعْ لِأَلَيْكَ يَتَّقَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالْتَّوَاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ ثُمَّ أَعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ.

به کار آنان که دستشان به تو نمی‌رسد و چشم‌ها در آنان به خواری می‌نگرند و بزرگان آنها را کوچک می‌شمرند، دلجویانه برس و مدام به کار یتیمان و خردسالان رسیدگی کن.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۳، سیمای محرومان و مستضعفان

۳۸- اختصاص بخشی از وقت به ملاقات مردم و فراهم آوردن شرایط برای گفت‌وگوی راحت مردم با مدیر

وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً عَامَماً فَتَتَوَاضِعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ

أَحْزَانِكَ وَشُرْطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ.

بخشی از وقت و نیروی خود را به حاجتمندان اختصاص ده و جلسه‌های عمومی با ایشان بگذار و با آنان فروتنی کن و سپاهیان و نگهبانان خود را از آنان دور ساز، تا هر کس از آن حاجتمندان که حرفی دارد بدون ترس بگوید.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۳، سیمای محرومان و مستضعفان

۳۹- تحمل رفتار تنگ مردم و خوشرو و پوزش طلب

ثُمَّ احْتَمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِجَّ وَنَحَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَنْفَ يَبْسُطِ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَ يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ. وَأَعْطِ مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئاً، وَأَمْنَعُ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْذَارٍ!

درشتی، بدزبانی و سخنان ناهموار آنان را تحمل کن و تنگ خلقی و غرور را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید و تو را پاداش اطاعت ببخشد. آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش‌خواهی همراه باشد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۵، سیمای محرومان و مستضعفان

۴۰- برطرف کردن خواسته مردم

ثُمَّ أُمُورٌ مِنْ أُمُورِكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ مُبَاشَرَتِهَا : مِنْهَا إِجَابَةُ عُمَّالِكَ بِمَا يَعْجَا عَنْهُ كُتَائِبُكَ، وَ مِنْهَا إِصْدَارُ حَاجَاتِ النَّاسِ يَوْمَ وَرُودِهَا عَلَيْكَ بِمَا تَخْرُجُ بِهِ صُدُورُ أَعْوَانِكَ.

بخشی از کارها به گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که مُنشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند، و دیگر، برآوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند، و یارانت در رفع نیاز آنان

ناتوانند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۵، اخلاق اختصاصی رهبری

أَلُوفَاءٍ بِالْعُهُودِ.

زیرا اتفاق نظر مردم در اهمیت وفای به عهد در هیچ یک از قریب دیگر الهی نیست و همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر دارند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۷ و ۵۸۹، روش برخورد با دشمن

۴۱- ارتباط دائم و همیشگی با مردم

فَلَا تُطَوِّلَنَّ أَحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّ أَحْتِجَابَ أُلُوفَةٍ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضَّيْقِ وَقِلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ.

مگذار پوشیده بودن از چشم مردم طولانی شود، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۵، اخلاق اختصاصی رهبری

۴۵- صداقت با مردم

وَلَا تَعْقِدْ عَقْدًا تُجَوِّزُ فِيهِ أَلْعِلَّ، وَلَا تُعَوِّكَنَّ عَلَى لَحْنٍ قَوْلٍ بَعْدَ التَّأْكِيدِ وَالتَّوْتُّةِ.

مبادا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغلکاری و قریب راه‌هایی وجود دارند، و پس از محکم کاری و دقت در قراردادنامه، دست از بهانه‌جویی بردار.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۹، روش برخورد با دشمن

۴۲- ندادن امتیاز به نزدیکان

وَلَا تُقْطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَّتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً.

مبادا به هیچ یک از اطرافیان و نزدیکان زمینی واگذاری. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۷، اخلاق رهبری با خویشاوندان

۴۶- هشدار از خودپسندی

وَإِيَّاكَ وَالْأَعْيَابَ عَجَابَ بِنَفْسِكَ، وَالثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا، وَحُبَّ الْأَطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَتَمَحَقَّ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ.

مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی و به خوبی‌های خود اطمینان کنی و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم به توست و کردار نیک نیکوکاران را نابود می‌کند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۹، هشدارها (قسمت دوم)

۴۳- دائم عذر خود را به مردم بگو و عذرخواهی کن
وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَقِيقًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِأَصْحَارِكَ.

و هر گاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۷، اخلاق رهبری با خویشاوندان

۴۴- وفای به عهد در مقابل مردم

فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَتَشَنُّبِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ

۴۷- هشدار از مت‌گذاری

وَإِيَّاكَ وَالْمَنَّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوِ التَّزْيِيدَ

باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زیانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتابزدگی و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۹۱، هشدارها (قسمت پنجم)

نتیجه گیری

برای حاکمیت اصولی که حضرت علی علیه السلام در باره مردم مطرح می کنند، مدیر بایستی به یک نظام ارزشی مبتنی بر احکام نورانی اسلام معتقد باشد و در این مکتب با تمام وجود تربیت یابد. در حقیقت غیر از این راه، ضمانتی برای رعایت حقوق مردم از طرف مدیران وجود ندارد، چرا که این مفهوم بیشتر یک شعار خواهد بود تا عمل، مگر اینکه فرد خود را در پیشگاه خدا حاضر بداند و روحیه و فضای پاسخگویی در وجود خود را ایجاد کرده باشد.

فِيما كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُشِيعَ مَوْعِدَكَ يَخْلُفَكَ، فَإِنَّ أَلَمَنَ يُبْطِلُ أَلَاءَ حُسَّانَ، وَالتَّزِيدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَالْخُلْفَ يُوجِبُ أَلَمَقَّتَ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ.

مبادا هرگز خدمت‌های انجام شده را بر مردم منت‌گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی! منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش می‌گرداند و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند.

نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، صفحه ۵۸۹، ۵۹۱، هشدارها (قسمت سوم)

۴۸- عدم تندخویی و اعمال قدرت در هنگام خشم نسبت به مردم (هشدار از امتیازخواهی)

أَمْلِكْ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ، وَ سَوْرَةَ حَدِّكَ، وَ سَطْوَةَ يَدِكَ، وَ غَرْبَ لِسَانِكَ، وَ أَحْتَرِسْ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ أَلْبَابِدَرَةٍ، وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ، حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ.

منابع و مراجع

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی، مؤسسه انجام کتاب تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲.
- ۲- دیویس، کیت و نیواستورم، جان «رفتار انسانی در سازمان» ترجمه دکتر محمدعلی طوسی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۰، ص ۳۱-۱.
- ۳- بلانچارد، کنت هرسی پاول «مدیریت رفتار سازمانی» ترجمه دکتر قاسم‌گیری، جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۷۰، ص ۲۰-۱.
- ۳- علی علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳ حضرت امیر به مالک اشتر، نشر مشرقین، قم، سال ۱۳۷۹، ص ۵۶۷ تا ۵۹۱.
- ۴- علی علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه محمد جواد شریعت، نامه ۵۳ به مالک اشتر، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶ تا ۴۴۵.
- ۵- علی علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳ به مالک اشتر، انتشارات فیض الاسلام، تهران، ۱۳۶۶.
- 6- Taylor, Fredrick, the pinicples of scientific Manaymeny (New York): Itarpar row 1991 p.p 13-23.
- 7- Fayol Henri, Administration industriclle et ganaral (Paris: Puntod 1916) p.160.
- 8- Mayo Elton, the Human problems of industrial civilization (New York. McMillan. 1993).
- 9- Robbinz. Stephen (Organization theory) Englewood prentic - Hall p.p 378-384.